

# کیهان

**فلسفه و مفهوم شناسی زیارت**

زیارت، وزیای عربی است. این واژه به معنای دیداری است که همراه با قصد باشد؛ چرا که در ریشه این واژه مفهوم میل و گرایش نهفته است؛ چنان که مفهوم رویگردانی از غیر نیز در آن تضمین شده است. به این معنا که گویی زیارت‌کننده از دیگران روی گردانده و به سوی زیارت شونده تمایل و قصد کرده است.(معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۲۶، ذیل واژه «زور») فرهنگ شناسان عربی، بر این نکته تأکید دارند که در معنای زیارت، افزون بر قصد و تمایل، قصد تکریم و تعظیم زیارت شونده و انس گرفتن با او نیز نهفته است.(المصباح، ج ۱ - ۲، ص ۲۶۰، «زور»)

برای تبیین فلسفه زیارت نیازی نیست بنابراین، زیارت تنها دیدار ساده و معمولی نیست، بلکه به دیداری گفته می‌شود که همراه با قصد بوده و زیارت‌کننده از این دیدار، رویگردانی‌اش از دیگران و تمایل خود به دیدار زیارت شونده را اعلان می‌کند؛ چنان‌که با این دیدار بر آن است تا با زیارت شونده انس گرفته و به تکریم و تعظیم او بپردازد.

پس می‌توان گفت در زیارت، افزون بر نفس دیدار، قصد، خلوص، غیرت، تکریم، تعظیم، انس و الفت و ماندن آن مورد توجه و تأکید است.

**اهداف زیارت**

برای اینکه تبیین درست و روشنی از فلسفه زیارت به دست داده باشیم و بر اساس آن احکام مرتبط با آن را بیان کنیم، بهتر آن است که اهداف زیارت و آثار آن بازگو شود تا بر اساس آن نسبت به صحت و بطلان همه اقسام زیارت یا برخی از آنها و همچنین احکام زیارت، قضاوت کنیم.

از آیات قرآن به دست می‌آید که زیارت دارای اقسامی چند است. یکی از زیارت‌های مهم اسلامی، زیارت خانه خدا و کعبه است؛ زیرا حج، به معنای قصد دیدار و زیارت است. خداوند برای زیارت کعبه و حج آن، اهداف و آثاری را بیان کرده است که از آن جمله می‌توان به دستیابی به فضل و پادشاهی الهی(مانده، آیه ۲)، دستیابی به ثروت‌های مادی (همان، چرا که یکی از مصادیق یتیمون فضلای زباید مال و ثروت است) و جلب رضایت خداوندی است.(همان) در آیه ۶۴ سوره نساء، زیارت پیامبر(ص) به هدف درخواست رحمت امرزش، زمینه پذیرش توبه و شمول رحمت الهی جایز دانسته شده است.به این معنا که زیارت‌کننده پیامبر(ص) به قصد درخواست عطا برای آرامش و ایجاد زمینه پذیرش درخواست توبه و اش از سوی خداوند و قرار گرفتن در رحمت شامل آیه است. می‌بایست به زیارت پیامبر(ص) بپردازد تا با این زیارت این اهداف را به دست آورد.

به سخن دیگر، زیارت می‌تواند به قصد بهره مندی از شفاعت زیارت شونده و دعا و

## در روایات آمده که آرامگاه اولیای الهی بقعه‌ای از بقعه‌های بهشت است. یعنی همان‌طور که بهشت محل وصال حقیقی به خداوند و سلامت و امنیت نفس و برآورده شدن آرزوها و ... است، حرم‌های اولیای الهی نیز این‌چنین است و تا این‌اندازه موجب صفای روح و ششفای دل می‌شود. کسی که آرامش روحانی را در حرم اهل بیت درک نمی‌کند و تاثیر نمی‌پذیرد باید در رفتار و زیارت خود تجدید نظر کند. رسول خدا (ص) خطاب به امیرالمومنین(ع) فرمود: ای ابا الحسن خداوند قبر تو و قبور فرزندان تو را بقعه‌ای از بقعه‌های بهشت می‌گرداند.

درخواست او راهی از عذاب و شکنجه یا درد ورنجی باشد یا به قصد بهره مندی از وساطت زیارت شونده صورت گیرد تا مشمول الطاف و رحمت دیگری شود.

**فلسفه زیارت اهل قبور**

اما درباره زیارت اهل قبور و فلسفه آن می‌توان به آیاتی اشاره کرد که در آن به این

حادثه بزرگ اربعین، یکی از نعمت‌های

بزرگ خدای متعال به جامعه ماست که در سال‌های اخیر شامشکان زیادی را راهی دیار عشق و بندگی می‌کند و هزاران ارزش اخلاقی و انسانی و دینی را احیاء کرده و با می‌پروارند. از معنویت و اخلاص گرفته تا احسان و اطعام و کمک به دیگران و تا استقامت و صبر و ایستادگی، همه و همه در اربعین می‌گنجد و خیرات فراوان، پیاده‌روی اربعین پیام‌های روشنی نیز در بر دارد:

یکی از روشن‌ترین پیام‌های اربعین برای

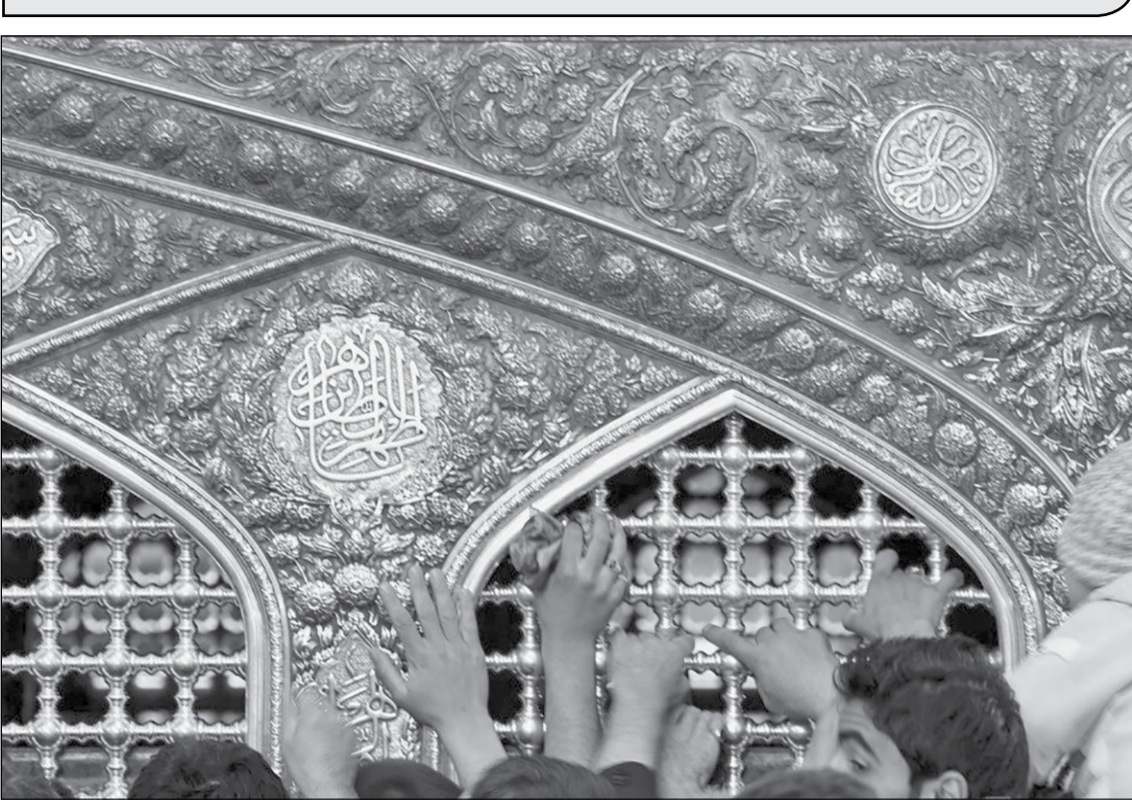
جامعه ما این است که روح دین‌داری در جامعه

یکی از سنت‌های اسلامی، دیدار از عالمان دینی و خویشان و برادران دینی و زیارت قبور ایشان پس از مرگ است. در سنت اسلامی بر اساس آیات و روایات هر دو نوع از زیارت و دیدار مورد توجه و اهتمام است؛ هر چند که برخی از بدعت‌گذاران نوع دوم(زیارت قبور) را حرام می‌شمارند، ولی اجماع مسلمین و سنت و سیره

پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) و سلف صالح بر این بوده است.

شاید در همه مناطق اسلامی با تمام اختلاف در مذاهب و فرقه‌ها، بناها و زیارت‌گاه‌هایی را بنیاید که برای قبور علمای اسلام و صالحان و پارسایان و فرزندان رسول‌الله(ص) ساخته شده و مردم برای تکریم و تعظیم ایشان به این مراکز زیارتی می‌روند و حتی از ایشان حاجت خواسته و آنان را واسطه و وسیله و شیخ برای بر آوردن نیازهای خویش قرار می‌دهند. همین سیره عملی خود گواهی روشن بر درستی زیارت حتی مردگان و دلبلی بر سنت اسلامی است.

نویسنده در مطلب حاضر فلسفه و اهمیت زیارت معصومین(ع)، اولیا، بزرگان و مسلمانان عادی را تشریح کرده است.



# زیارت و اهمیت آن

دعا می‌کرد.(مجمع‌البیان، ج ۵ - ۶، ص ۸۷؛ میزان، ج ۹، ص ۳۶۰)
انظر لقرآن، زیارت قبور منافقان نه تنها جایز نیست بلکه ممنوع است؛ چرا که حضور بر سر قبر آنان به معنای تأیید رفتارشان در گذشته می‌باشد و موجب می‌شود تا مرزبندی میان مومن و منافق از میان برود. این در حالی است که بر همگان به‌ویژه رهبران جامعه اسلامی است تا پس از شناسایی منافقان از آنها اجتناب و بی‌گسسته شود. این برزت و سبیزاری در زمان حیات لازم بوده و پس از مرگشان نیز ادامه می‌یابد.

**احکام زیارت**

با توجه به آیات قرآن می‌توان احکام زیارت را به پنج قسم، واجب، مستحب، مکروه و حرام و مباح تقسیم کرد. به عنوان نمونه بر اساس آیه ۹۷ سوره آل عمران و نیز ۲۷ سوره حج، زیارت خانه خداوند برای کسانی که استطاعت زیارت آن را دارند، واجب است. در بیان آداب زیارت کعبه و مسجد الحرام این معنا مورد تأکید است که مومنان موجود در مکه می‌بایست حرمت زیارت کنندگان کعبه را داشته باشد.(مانده، آیه ۲)
این بدان معناست که زیارت خانه خدا آنچنان مهم است که ساکنان این منطقه باید حرمت و احترام زیارت کنندگان آن را نیز مراعات کنند و این افرادی را که به زیارت می‌شتابند تکریم نمایند.

دیدار حضرت محمد(ص) و زیارت وی بر اساس برخی ازآیات و روایات واجب و لازم است. از جمله اینکه از تمام الحج زیارت پیامبر(ص) و امام(ع) دانسته شده است. اگر نگوییم این زیارت واجب است، دست کم از آیات قرآن استحباب آن به دست می‌آید، از این رو بخشی ازآیات به آداب زیارت آن حضرت(ع) اختصاص یافته است. از آیه ۵۴ سوره انعام برمی‌آید که پیامبر(ص) مأمور بود تا بر زیارت کنندگان خود در سلام پیشدستی کند، یا آنکه آنان را به سبب زیارت خویش، به رحمت الهی بشارت دهد و یا اینکه در برابر زیارت‌کننده خود، فروتنی کند.

شهری که محل توجه بسیاری از روشنفکران

است و عمدتاً تحلیل‌هایشان ناظر به آن و چند کلان شهر دیگر است و از دیگر شهرها و روستاهای و مردمان فاقدند- چند برابر می‌شود.

حضور مشتاقانه و آگاهانه مردم در این سفر بر خلاف روند نزولی که روشنفکران ناشی از پیاده‌روی، ازدحام و... است، نشانگر آن است که جامعه ظرفیت بالایی در پذیرش ارزش‌های دینی و اخلاقی دارد.اگر جامعه به درستی مدیریت شود و خوراک مناسب جاماندگان از زیارت امام حسین(ع) در تهران-

### معارف

Maarefkayhan@Kayhan.ir

از دعا و استغفار آنان در زندگی بهره جست.

در آداب زیارت آن حضرت(ع) بیان شده است که زیارت‌کننده برای اینکه به اهداف زیارت دست یابد باید پیش از زیارت آن حضرت اذن بگیرد(احزاب، آیه ۵۳)، صدایحزرت آورد(حجرات،آیات ۳ و ۴)، تا زمان خروج و اذن آن حضرت(ع) صبر و شکنجایی ورزد(حجرات،آیات۵ و ۵) و پس از پایان زیارت بی‌آنکه مزاحمتی را فراهم آورد، خارج شود و موجب اذیت و آزار ایشان نشود.

امام صادق(ع) زیارت آن مرعات کند، از غفران الهی، پادشاش خاص و بزرگ خداوند و خیر و منفعت زیاد(حجرات،آیات۳ و ۵) بهره‌مند خواهد شد.

**زیارت پس از مرگ**

همان‌گونه که زیـارت پیامبر(ص) در زمان زندگی ایشان جایز است، زیارت آن حضرت(ص) پس از مرگ نیز جایز و رواست؛ چرا که نمی‌توان پیامبر(ص) را همانند دیگر مردمان دلست. آن حضرت(ص) همان‌گونه که

در زمان حیات خویش برای زیارت‌کنندگان رحمت و مغفرت را به ارمان می‌آورد و موجب آموزش الهی و بشارت رحمت خداوندی برای آنان بود، پس ازمرگ نیز این‌گونه است.

از سبوی دیگر دانسته شد که سنت و سیره پیامبر(ص) این‌گونه بوده است که به زیارت اهل قبور به بقیع می‌رفت و خداوند او را از حضور و دعا بر سر قبر کافران، منافقان و استقامت بازداشته است (توبه،آیات ۷۳ تا ۸۴) اما در همین آیه ۸۴ سوره توبه جواز و بلکه سنت و سیره آن حضرت(ص) را نسبت به دیگر افراد یعنی مومنان و صالحان تثبیت و امضا کرده است.

از گزارش‌های تاریخی نیز به دست می‌آید

که سیره حضرت رسول(ص) بر این بوده است که به زیارت قبور بقیع می‌رفتند.ز عایشه نقل شده که سیره پیامبر بر این بود که هر شبی که ایشان نزد او بود، در آخر شب به بقیع می‌رفت و می‌گفت: «السلام علیکم دار قوم مؤمنین وأتاکم ما توعدون غذا مؤجلون وانا إن‌شاه‌الله بکم لاحقون اللهم اغفر لأهل بقیع العریده» درود بر شما که در خانه مؤمنین آرمیده‌اید، و به شما آنچه که دربار فرود وعده داده شده بود عنایت گردید و ما نیز به شما إن‌شاه‌الله ملحق خواهیم شد. خدایا اهل بقیع را ببارمز». (صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۶۹

عایشه به پیامبر می‌گوید: «یا رسول‌الله! من چگونه برای آنرا بگویم؟»

فرمود: «بگو: السلام علی أهل الدیار من المؤمنین والمسلمین یرحم الله المستقیمین منا والمسنأخیرین وانا ان شاء الله بکم لاحقون؛ سلام بر اهل دیار از مؤمنین و مسلمین و خداوند، گذشتگان از ما و آنان که بعد از ما هستند را رحمت کند و ما نیز اگر خدا بخواد به شما ملحق می‌شویم.»(صحیح مسلم،ج ۲، ص۶۶۹)

امام صادق(ع) نیز درباره زیارت اهل قبور از سوی آن حضرت(ع) فرمود: «رسول خدا(ص) در هر شب جمعه با گروهی از اصحابشان به قبرستان بقیع در مدینه تشریف می‌برد و در آنجا سه مرتبه می‌فرود: السلام علیکم یا اهل الدنیا؛ سلام و درود بر شمالای اهل شهرها) و سه مرتبه می‌فرود: رحمکم الله (خدا شما را رحمت کند)...(جعفرین قولویه قمی؛ کامل‌الزیارات، ص ۳۲۰؛ مرتضوی، نجف، اول، ۱۳۵۶ق)

در روایات آمده که آرامگاه اولیای الهی بقعه‌ای از بقعه‌های بهشت است. یعنی همان‌طور که بهشت محل وصال حقیقی به خداوند و سلامت و امنیت نفس و برآوردن شدن آرزوها و ... است، حرم‌های اولیای الهی نیز اینچنین است و تا این اندازه موجب صفای روح و ششفای دل می‌شود. کسی که آرامش روحانی را در حرم اهل بیت درک نمی‌کند و تاثیر نمی‌پذیرد باید در رفتار و زیارت خود تجدید نظر کند. رسول خدا(ص)خطاب به امیرالمومنین(ع) فرمود: ای ابا الحسن خداوند قبر تو و قبور فرزندان تو را بقعه‌ای از بقعه‌های بهشت می‌گرداند. (ارشادالقولوب، ترجمه سلگی، ج ۲، ص ۲۸۳)

بنا به تصریح روایات دعا در زیر قبه امام حسین(ع) مستجاب است.(ابن فیهد، عده‌الداعی،ص ۵۷، بیروت، دار الکتب الاسلامی). یعنی زیارت شونده‌های که در این مکان مقدس قرار دارن چنان تأثیری بر روح زائر می‌گذار که دعای او را نافذ در آسمانها قرار می‌دهد. این آثار به تناسب عمق زیارت و ارتباط شخص با مזור ظهور پیدا می‌کند و ربطی به میزان گناهان ندارد بلکه از ارتباط و عمق زیارت بستگی دارد لذا عارفی که برای کسب ثواب، زیارت می‌کند کمتر تأثیر می‌پذیرد تا عاشقی که با دلش ارتباط برقرار

## بنا به تصریح روایات، دعا در زیر قبه امام حسین(ع) مستجاب است. یعنی زیارت‌شونده‌ای که در این مکان مقدس قرار دارد چنان تأثیری بر روح زائر می‌گذارد که دعای او را نافذ در آسمان‌ها قرار می‌دهد. این آثار به تناسب عمق زیارت و ارتباط شخص با مזור ظهور پیدا می‌کند و ربطی به میزان گناهان ندارد بلکه به ارتباط و عمق زیارت بستگی دارد لذا عارفی که برای کسب ثواب، زیارت می‌کند کمتر تأثیر می‌پذیرد تا عاشقی که با دلش ارتباط برقرار کرده است.

تحقیق و تعلیق: محمد فؤاد عبد الباقی، دار احیاء التراث العربی، بیروت)

که پیامبر پیش من بود، حالت منقلبی داشت، ردایش را بر زمین قرار داد. نعلین خود را درآورد و کنار پاهایش قرار داد و گوشه دستارش را بر سترش پهن کرد. طولی کشید. اما دیدار به قصد دانش افزایی و بصیرتی‌یابی در حوزه‌های مختلف دینی نیز امری لازم و واجب است.اینکه خداوند حضرت موسی(ع) را مأمور می‌کند تا به سفر زیارتی برود و آن همه رنج و مصیبت را برای دیدار با حضرت(ع) تحمل کند، برای کسب دانش و یا رسید در آنجا ایستاد و ایستادش را طول داد، سپس خود را سه مرتبه بالا برد و بعد بازگشت و من هم بر گشتم... و زودتر از پیامبر وارد شدم.

پیامبر متوجه شد و من هم داستان تعقیب ایشان را گفتم. پیامبر علت این رفتن خود به بقیع را چنین بازگو کرد که «جبرئیل پیش من آمد و مرا مورد ندا قرار داد... و به من گفت: پروردگارت، تو را امر کرده که به نزد اهل بقیع بروی و برای آنها استغفار کنی.»

جریان‌های ارزشی-اخلاقی در اجتماع به کار بسته شود، شاهد رونق گرفتن بیش از بیش ارزش‌های اسلامی-انسانی خواهیم بود و از بسیاری از بحران‌های اجتماعی و فرهنگی به سلامت عبور کرده و با مومنان خواهیم ماند. مهم آن است که جریان اربعین را تحلیل و ایرانی‌راند و به دنبال نهادینه کردن ارزش‌های نساب اسلامی در جامعه هستنند. چرا که در کمتر از یک دهه، پیاده‌روی اربعین در کشور به سرعت از مراحل مسئله و دغدغه و گفتمان عبور کرده و تبدیل به یک جریان قوی شده است؛ به طوری که هر ساله رشدی چشمگیر داشته و مشکلات و موانع مختلف

## در مواردی که جامعه از برخی از ارزش‌های دینی – اخلاقی فاصله دارد، نمی‌توان افول دینداری و دلزدگی جامعه از دین را نتیجه گرفت. جامعه‌ای که از دین دلزده باشد، محرمی یکپارچه حسینی ندارد و اربعینی پر از دغدغه زیارت را نمی‌چشد و شب‌های قدر و اعتکافی پر رونق و پر از حضور جوانان و نوجوان را تجربه نمی‌کند.

در مواردی که جامعه از برخی از ارزش‌های دینی-اخلاقی فاصله دارد، نمی‌توان افول دینداری و دلزدگی جامعه از دین را نتیجه گرفت. جامعه‌ای که از دین دلزده باشد، محرمی یکپارچه حسینی ندارد و اربعینی پر از دغدغه زیارت را نمی‌چشد و شب‌های قدر و اعتکافی پر رونق و پر از حضور جوانان و نوجوان را تجربه نمی‌کند. اربعین به ما می‌آموزد در مسائلی که جامعه از ارزش‌های دینی فاصله دارد، جریان ساززی درست، در اربعین همه نهادها،اعم از خصوصی و دولتی و مردمی در یک راستا حرکت می‌کنند. هنر به همان سمت می‌رود که خطابه می‌رود و دولت در همان مسیری می‌رود که مردم می‌روند. این یکپارچگی و هم‌افزایی در کنار ارزشی نهادینه شدن، رفتار مردم ندارد. اما در واقع هیچ‌کدام از این تحلیل‌ها صحیح نبود، بلکه نکته این است که در ایجاد حرکت‌های اجتماعی به چیزی بیش از سخنرانی نیاز است که در ذیل آیه شریفه «و تعاونوا علی الیر و التقوی» خلاصه می‌شود.

صفحه ۶

پنج‌شنبه ۲۴ شهریور ۱۴۰۱

۱۸ صفر ۱۴۴۴ – شماره ۳۳۱۲۱

## چراغ راه

### شاخص تأثیر‌گذار در پذیرش حق

**قال الامام الحسین(ع): «من دلائل علامات القبول، الجلوس الی اهل العقول».**

امام حسین(ع) فرمود: از نشانه‌های پذیرش حق(و قبول بندگی در پیشگاه خداوند) همنشینی با عقلا و خردمندان است. <sup>(۱)</sup>

۱- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۹

### حاکمیت خوبان

**نابودی اسلام با حاکمیت فردی مثل یزید**
پاسخ امام حسین(ع) به ولیدبن عتبه که برای بیعت گرفتن، امام حسین(ع) را دعوت کرده بود. ای امیر! ما از خاندان نبوت و معدن رسالت و جایگاه رفت و آمد فرشتگان و محل نزول رحمت الهی می‌باشیم. خداوند (سلام) را با ما آغاز کرد و با ما پایان برد. در حالی که یزید مردی است فاسق، میگسار، قاتل بی‌گناهان و ای کسی که آشکارا مرتکب فسق و فجور می‌شود. بنابراین هرگز شخصی مانند من با مردی همانند یزید بیعت نخواهد کرد... فردای آن روز امام حسین(ع) در بین راه با مروان‌بن‌حکم برخورد می‌کند و مروان می‌خواهد امام را نصیحت کند که به خیر و صلاح امام باشد! امام حسین(ع) فرمود: نصیحت تو چیست؟ بگو تا بشنوم! مروان گفت: پیشنهاد می‌کنم با امیرالمومنین! یزید بیعت کنی که برای دین و دنیاوی تو سوهمندتر است! حضرت ضمن بیان آیه استرجاع فرمود: زمانی که امت اسلامی گرفتار زمامداری مثل یزید بشود باید فاتحه اسلام را خواند! <sup>(۱)</sup>

۱- بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۶

### پرسش و پاسخ

### موقعیت‌شناسی در نهضت امام حسین(ع)

**پرسش:**
**شرایط و موقعیتی که امام حسین(ع) در آن به این نهضت مقدس اقدام نمود، چگونه بود و چه تأثیری در شکل و محتوای قیام امام حسین(ع) داشت؟**
**پاسخ:**

**موقعیت شناسی در شرایط مختلف**

غالب مردم اگر یک چیز را بشنوند خوب است، خیال می‌کنند در همه وقت و همه‌جا باید است و اگر بشنوند بد است، خیال می‌کنند در همه وقت و همه جا بد است، و از این جهت است که یک چیز را با نقطه مقابلش در برابر یکدیگر قرار می‌دهند و می‌پرسند: این خوب است یا آن؟ یا سخن گفتن بهتر است یا سکوت کردن؟ آیا عزلت بهتر است یا معاشرت؟ آیا عفو بهتر است یا مجازات؟ آیا قیام و جهاد بهتر است یا سازش؟ بدیهی است که هیچ یک از این سؤالات جواب مطلقى ندارد، یعنی نمی‌توان گفت به طور مطلق سخن گفتن بهتر است از خاموشی و سکوت یا خاموشی و سکوت بهتر است از سخن گفتن. زیرا موارد و شرایط مختلف است، در یک جا باید عفو کرد و در جای دیگر باید مجازات نمود، یک جا باید قیام و جهاد کرد، و جای دیگر باید راه سلامت پیش گرفت، یک‌جا باید لب به سخن گشود و یک جا باید خاموشی اختیار کرد. بنابراین چون خوب و بد و نیاید و نباید امر مطلقى نیست و شرایط و موارد و موقعیت‌ها بستگی دارد، لازم‌ترین امر برای انسان در نظر گرفتن شرایط و زمان‌ها و مکان‌ها و موقعیت‌ها است و در این رابطه اهمیت و عظمت اشخاص در تشخیص موقعیت‌ها به خوبی ظاهر و نمایان می‌شود.

**شرایط متفاوت امام حسین(ع) با سایر ائمه(ع)**

نهضت امام حسین(ع) یکی از پرافتخارترین صفحات تاریخ بشری را تدوین کرده است و دل‌ها و عقلا‌های انسان‌های زیادی را در طول چهارده قرن متوجه خود ساخت و تا اعماق قلب‌ها نفوذ درخشانی کرده است. عجیب این نهضت از طرف کسی بپا شد که پدر بزرگوارش سال‌ها طریق مسالمت و مدارا را پیش گرفت و بردارش رسماً با یکی از جبابره بزرگ جهان به نام معاویه ابن‌ابی‌سفیان قرارداد صلح امضا کرد. راهی که امام حسین(ع) با انقلاب و قیام و نهضت خویش پیمود و راهی که امام علی(ع) و امام حسن(ع) از طریق مسالمت و مدارا پیمودند، همه به یک نقطه محوری که همان تسلیم و بندگی خلیف و تحقق ارزش‌های الهی است، منتهی می‌شود و هیچ‌گونه تعارضی با یکدیگر ندارند. بنابراین طرز رفتار و عمل اسام علی(ع) و ابی‌علی(ع) بهترین معرف دستسور موقعیت‌شناسی اسلام است و در عین حال معرف اهمیت و عظمت و بزرگواری خود این بزرگواران نیز می‌باشد.

**شرایط و موقعیت‌شناسی قیام امام حسین(ع)**

در زمان خلافت یزیدیان معاویه شرایط و اوضاع و احوال خاص و بسلسله‌ای در میان اسلام حاکم گردید! شخص خلیفه وقت علاوه بر آنکه از جنبه شخصی مردی پست و فرومایه و فاسقی بود، در سیاستی هم که در پیش گرفته بود، رسماً مردم را به طرف بی‌دینی سوق می‌داد و علیه ارزش‌های اسلام و پیامبر(ص) تظاهر می‌کرد. خلافت یزید بعد از خلافت بیست ساله معاویه بود که روح دینی به تدریج در مردم رو به زوال و انعدام می‌رفت، آن شور و هیجان و شوق و ایمان و اطمینان مسلمین صدر اسلام که یگانه وسیله بشرفت و پیروزی آنها بود رو به سردی و افسردگی می‌رفت، وی یک خردت و سنستی عمومی پیدا شده بود. امام حسین(ع) در یک چنین موقعیتی جهاد و قیام کرد و شهادت و قربانی دادن را واجب و لازم دشمرد. شهادت و قربانی دادن امام حسین(ع) آن هم می‌با آن وضع فاجیع و گمراه‌کننده، به منزله ناکار سخنی بود که به پیکره خواب‌آلود آن روز جامعه اسلامی داده شد، و به منزله بانگ بیدار باشی بود که گوش‌ها و هوش‌ها را متوجه خطر بزرگی که به مسلمین او آورده بود نمود، و حقا تأثیر‌گذاری خود را به خوبی در جهان گذاشت بنابراین به شهادت تاریخ، شهادت جان‌گداز امام حسین(ع) تأثیر عمیقی در روحیه مسلمین به وجود آورد و چشم‌ها را از خواب غفلت بیدار کرد، و همین امر موجب شد که بعدها انقلاب‌ها و طغیان‌ها علیه دستگاه خلافت اموی برپا شود، تا قرن‌ها همین حادثه دل‌دار را به هیجان درآورد و افراد را علیه مظالم امویین برانگیخت تا بالاخره منجر به انقراض خلافت و حکومتی فاسد اموی شد. امام علی(ع) و امام حسن(ع) و امام حسین(ع) همگی از یک نقشه اصلی پیروی می‌کردند و یک هدف واحد داشتند و آن حفظ ارزش‌های اسلام و تعقیب اهداف پیامبر(ص) بود که هر کدام با روش و ساز و کار متناسب با شرایط خاص خود بدان عمل کردند.

## سلوک عارفانه

### لزوم مبارزه با تحریفات عاشورا

**به عنوان یک سند اخلاقی و تربیتی**

بدانند که وظیفه سنگینی داریم. مخصوصا در این عصر. دیگر با حادثه تحریف شده نمی‌شود به مردم خدمت کرد. در گذشته هم نمی‌شد. در گذشته اگر فایده‌ای نداشت، ضررش هم کم بود، ولی حالا ضررش خیلی زیاد است. ما و شما باید توجه داشته باشیم که بزرگ‌ترین وظیفه‌ای که ما داریم این است که ببینیم چه تحریف‌هایی در تاریخ ما شده است... تاریخ‌ها ما، آن تاریخ‌هایی که برای ما درس آموزنده است، سند اخلاقی ماست، سند تربیت اجتماعی ماست، مثل حادثه تاریخی عاشورا، ببینیم چه تحرفاتی در اینها شده است؟ باید با این تحریفات مبارزه کنیم .

۱- حمله حسینی، شهید مرتضی مطهری(ره)، ج ۱، ص ۱۱۴

## صفحه معارف روز‌های: شبه، یک‌شنبه سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود

**تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۶۱۹۹۱ – ۳۵۲۰۲۳۲۱**
**Maarefkayhan@Kayhan.ir**